

علی مطهری:

راهی که آغاجری و سازمان مجاهدین انقلاب می روند، قبالا فرقان پیموده است

سخنرانی جنابلی و توهین آمیز هاشم آغاجری، عضو شدسازمان مجاهدین انقلاب اسلامی اواخر خرداد ۸۱ در دانشگاه همدان موجی از واکنش‌ها را برانگیخت. او در سخنرانی خود مینا قرار دادن نهم گذشتگان از دین را از تاج و یک امر تقلیدی عنوان کرده و مدعی شده بود آموزه‌های روحانیت سنتی را باید دور ریخت و او همچنین سلسله مراتبی که در تشکیلات روحانیت وجود دارد در تحت تاثیر کلیسای کاتولیک در قرون وسطی می دانست. ۹ تیر ماه ۸۱ نیز علی مطهری، عضو هیات علمی دانشگاه تهران در یادداشتی در روزنامه کیهان با انتقاد از تفکر حاکم بر هاشم آغاجری نوشت: یک سال و اندی پیش، زمانی که آقای هاشم آغاجری در یک سخنرانی گفته بود دین نهفته‌الاین توده‌ها بلکه‌الاین حکومت‌ها نیز هست، اینجانب در مقاله‌ای اعلام خطر کردم و گفتم وقتی متن سخنرانی آقای آغاجری را خواندم احساس کردم که به بیست و دو سال پیش باز گشتم و در حال مطالعه جزوه گروه فرقان هستم و با توجه به دفاع یکی از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از این سخنان همگروه خود، برای آن سازمان نیز اعلام خطر کردم و گفتم اگر مطالب آقای آغاجری در سخنرانی مذکور مورد تایید آن سازمان است باید قبول کنیم که سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به شدت از صراط مستقیم منحرف شده است. امروز پس از شنیدن سخنرانی اخیر آقای آغاجری در این عقیده خودم راسخ تر شدم و دیگر با دیگر اعلام خطر می کنم، خلاصه سخنان آقای آغاجری این است که تاز ماهی که اصلاح در خود دین صورت نگیرد و متولیان رسمی دین کنار گذاشته نشوند هیچ اصلاح اجتماعی برای توسعه‌انگیزی و حرکت بمسوی مدرن نیسب امکان پذیر نیست. به تعبیر دیگر ما نیاز به یک پرستانتینسم اسلامی منتسب باین زمان داریم، باید همان کاری را انجام دهیم که لوتر و امثال او در برابر مسیحیت انجام دادند و دست روحانیون مسیحی قرون وسطی را از جان و مال مردم کوتاه کردند و با طبقه‌ای به نام طبقه روحانی مبارزه کردند. آنها گفتند ما برای برقراری ارتباط با خاندان‌های بوسااسله‌ناریم و از متون دینی نیز خودمان مستقما برداشت می کنیم و احتیاجی به متفسیر روحانیان نداریم.

این برای چندمین بار است که آقای آغاجری روحانیت شیعه را به روحانیت مسیحی قرون وسطی تشبیه می کند و آنگاه به مصداق خود می کشی و خودتزمیه می خوانی، شروع به حمله به روحانیت شیعه می کنی و بایک قیاس مع الفارق و نادرست همان در مان‌هایی را که برای جامعه مسیحی قرون وسطی منتسب بوده است، برای جامعه اسلامی امروز ماتجویز می کنی. گویی اشتراک لفظ برای اشتراک معنا و محتوا کافی است. اگر چنین است، پس با لفظ آغا، در نام شما چه باید کرد؟ راهی که ایشان می روند قیلا توسط گروه فرقان رفته شده است و تبلیح آن را دیده‌ایم. کسی که امر تجربه شده را بار دیگر تجربه کند، دچار ندامت و پشیمانی می شود. مومن یک سوراخ دو بار گزیده نمی شود. آیاد عوای گروه فرقان با استاد مطهری غیر از همین مسائل بود؟ آیا آیت‌الله مطهری قربانی همین افکار نندو ضربه مهلکی با تروار ایشان به انقلاب اسلامی وارد نشد؟ چه اضارری است که بار دیگر جوان‌ها را به این راه‌ها بکشانیم؟ صراحتا عرض می کنم نتیجه ترویج این افکار تشکیل گروه‌هایی مانند فرقان است که خود را از شناخت اسلام خودکفا می دانستند و یک جوان بیست و چند ساله بی سواد ولی معتقد به رومخند بودند، به خود اجازه تفسیر قرآن و صدور فتوای قتل علمای بزرگ را می داد. برای آنکه قرابت افکار آقای آغاجری با افکار گروه فرقان آشکار شود جملاتی را از یکی از اجزوات این گروه نقل می کنم که به‌عنوان می گوید: مفسر قرآن در نظام استعماری باید کوهی از سواد و فلسفه و منطق و حکمت و کلام و تفقه آنها غالب بود و نحو... باشد که سنگینی آنها را آزار داده و از میان تن‌ها به تنهایی بکشاند. زیرا به مفاد آیه کریمه هر کس و زنش سنگین تر باشد پیروز است. آری، سخنان اخیر آغاجری میثاق دیواری است با گروه فرقان، ندایی است به افراد معدم و خائن و جانیانکار آن گروه که راه شمایزنده است، ما مشا و راه‌ها شارا را فراموش نکرده‌ایم.

جمیله کدیور:

اصلاح طلبان همان نگرش سنتی را درباره زنان دارند و آنها را در یک دایره بسته و خط قرمز ی نگه داشته‌اند

جمیله کدیور، نماینده مجلس ششم ۱۰ تیر ماه ۸۰ و در گفت‌وگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی در رابطه با نگرش اصلاح طلبان به زنان در حوزه‌های مختلف اظهار داشت: هر چند آقای خاتمی برای دسترسی به اهداف شایسته‌الاری و اصلاح طلبی تلاش کردند اما سایر اصلاح طلبان یا خواستند یا نتوانستند همچون خاتمی از شایستگی دیگران در کارها استفاده کنند. همان نگرش سنتی که در گذشته بر تفقه آنها غالب بود، در این دوره نیز استمرار یافت. نسیم اصلاح طلبی به ذهن غالب اصلاح طلبان وزید. ما باز هم شامد بودیم که زنان را محدود به حضور در یک دایره بسته کردند و خط قرمزی را برای آنها قائل شدند تا از آن فراتر نروند. در چهار سال گذشته شاهد بودیم طیفی از اصلاح طلبان، خود مانع و سد راه اصلاحات بودند و به دلیل اینکه تعریف دقیقی از اصلاحات نداشتند، به یکسری مسائل حاشیه‌ای و سطحی پرداختند. حوزه مشارکت زنان را محدود به پای صندوق‌های رای، شرکت در تظاهرات یا تکالیفی کردند که دولتمردان انتظار داشتند. سعی کردند زنان را ویتربنی برای اقدامات خود کنند. نگاه اصلاح طلبان به زنان، نمادین بوده است. اگر هم حضور زنان مدنظرشان بود، به حداقل‌ها بسنده می کردند. مثلا در ارائه فهرست انتخابات در تهران به ۵ یا ۶ زن بسنده کردند، در شهرستان‌ها یا یک نفر معرفی کردند یا اصلا به خاتما توجهی نمی کردند. در حوزه مدیریت کلان هم به همین ترتیب بود. این فکر که صرفا با حضور یک یا دو زن در کابینه مشکل خاتما حل و نگرش آقایان عوض می شود، اشتباه است.

محمود احمدی نژاد:

شورای نگهبان سد محکمی در برابر کسانی است که به دنبال مصادره حقوق ملت هستند

محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور منتخب انتخابات ریاست جمهوری نهم، ۸ تیر ۸۰ و در دیدار با دبیر شورای نگهبان درباره این شورا گفت: شورای نگهبان از مهم‌ترین، کلیدی‌ترین و حساس‌ترین ارکان نظام است که به طور غیر مستقیم از سوی مردم برگزیده شده تا مسئولیت صیانت از حقوق و آزادی‌های آن را بر عهده بگیرد. اگر شورای نگهبان نباشد، کسانی که به روش‌های غیر مشروع و غیر صحیح به ثروت‌های باد آورده دست یافته‌اند، همه حقوق و آزادی‌های مردم را یکجا مصادره و حقوق ملت را پایمال می کنند. شورای نگهبان سد محکمی در برابر کسانی است که به دنبال مصادره حقوق ملت هستند. عملکرد این شورا ضامن حفظ حقوق مردم و فرهنگ و استقلال کشور است. کسانی که سالم کار می کنند از نظارت‌ها نیز هیچ هراسی ندارند. اعضای شورای نگهبان قانون اساسی از متدین‌ترین و صالح‌ترین انسان‌ها هستند، وجود چنین نهادی در دنیای امروز بی نظیر و نقش نظارتی این شورا حائز اهمیت است.

علی اکبر محتشمی پور:

حسن روحانی به خاطر امضای توافقنامه هسته‌ای بروکسل با ۳ کشور اروپایی از مردم عذر خواهی کند

علی اکبر محتشمی پور، عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز ۱۱ تیر ماه ۸۳ و در سخنرانی در حسینیه چماران با اشاره به توافقنامه هسته‌ای اروپایی با ایران که توسط حسن روحانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی منعقد شد، گفت: در جریان مباحثی که سال گذشته سال ۸۲ میان ایران و آژانس انرژی اتمی مطرح شد، نمایان‌وزاری کشورهای انگلیس، آلمان و فرانسه به ایران آمده و قرارداد را با آقای روحانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی امضا کردند که یکی از مفاد آن تعلیق موقت غنی‌سازی اورانیوم بود. در حالی که این اقدام ربطی به کشورهای اروپایی نداشت و اگر ایران با آژانس اتمی مساله‌ای دارد، اروپایی‌ها حق نداشتند از موضع قیم‌ما بانه با ملت ایران رفتار کنند. متأسفانه مدتی پس از توافقنامه ... وزرای سده کشور اروپایی یادبیر شورای عالی امنیت ملی و در جریان سفری که روحانی به بلژیک داشت، قرار داد دیگری در آن کشور به امضای ایشان و وزرای کشورهای اروپایی رسید که تاکنون مفاد آن برای ملت ایران منتشر نشده و این موضوع پس از قطعنامه اخیر شورای حکام انرژی اتمی فاش شد و هنگامی که روحانی برای ارائه گزارش به مجلس رفته بود، نمایندگان مجلس هم از این موضوع بی اطلاع بودند. هیچ تصمیمی در ارتباط با سرنوشت ملت ایران نباید بدون اطلاع ملت اتخاذ شود. وقتی مفاد قرارداد برای مردم گفته نشده است و می‌تواند تاه‌ها مسائل تبعات منفی برای ملت ایران به همراه داشته باشد، دبیر شورای عالی امنیت ملی با چه حقی مبادرت به امضای چنین قراردادی در پشت‌درهای بسته با کشورهای اروپایی می کند و چرا تاکنون این مطلب را برای افکار عمومی مطرح نکرده است. آقای روحانی مجاز نبود در سفر به بروکسل باوزاری خارجه کشورهای فرانسه، آلمان و انگلیس قرارداد را امضا کند که به موجب آن متعهد شود ایران ساخت قطعات دستگاه‌های سانتریفیوژ را متوقف کرده و در مقابل اروپایی‌ها هم پول بستن پرونده هسته‌ای ایران در آژانس بین‌المللی اتمی را بدهند در حالی که این کار از عهده آنها بر نمی آید. ایران نیازی به ساخت بمب اتمی ندارد. همان‌طور که متام معظم رهبری و رئیس جمهور هم اعلام کرده‌اند، تعلیم اسلامی اجازه استفاده از بمب اتمی را به ما نمی‌دهد، ما در رسیدن به دانش هسته‌ای حق طبیعی ملت ایران بوده است. در نظام اسلامی نباید چیزی بیچیز که با مصالح نظام و مردم ارتباط دارد از نظر مردم دور بماند و به نظر من دبیر شورای عالی امنیت ملی حق نداشته بدون اطلاع مردم قرارداد را با اروپا در بروکسل امضا کند و روحانی برای این تصمیم خود از ملت ایران عذر خواهی کند.



بسیرون رفتند، حتی بعد از ظهر هم به همان منزل تلفن زدنند و به پسر هم گفتند که می‌خواهم با مادت حرف بزنم. گفته بود نیست و دکتر گفته بود فکر می‌کنم که دیگر من نرسم با مادت حرف بزنم و همین هم بود... بعد از شهادت دکتر بهشتی مرتب مناقضین به خانه ما می آمدند و مرتب آنها که با بنی صدر بودند، به ما می گفتند که بنی صدر گفته اول زنش و بعد بچه‌های دکتر بهشتی را از بین خواهم برد و وقتی این حرف را به من زدند، بلند شدم و گفتم خانم‌ها بیایند جلو تا بپشان بگویم، شما بگویید تا بنی صدر هر چه زودتر ما را از بین ببرد. شهادت برای ما افتخار است. بعد بنی صدر پیام داده بود که خانم دکتر را می‌خواهم از بین ببریم تا به او زجر دهیم، گفتم برای ما هیچ زجری نیست.

محمدرضا باهنر:

سال ۸۲ به وزیر اطلاعات گفتم احمدی نژاد رئیس جمهور ماست و شهرداری برای او دستگر می است

محمدرضا باهنر، نایب رئیس هفتم و دبیرکل جامعه اسلامی مهندسیین پنجم تیر ماه ۸۰ و یک روز پس از اعلام نتایج دور دوم انتخابات ریاست جمهوری در جلسه ماهانه جامعه اسلامی مهندسیین درباره پیش‌بینی اش از رئیس جمهور شدن احمدی نژاد گفت: زمانی که شورای شهر تهران قصد داشت احمدی نژاد را به عنوان شهردار تهران انتخاب کند بهار سال ۸۲، در زمانی که این پیشنهاد مطرح شد، وزیر اطلاعات گفت خوب نیست احمدی نژاد شهردار تهران شود، مشکل پیش می آید، ایشان دارای پرونده در استانداری او دبیل هستند. من پیش ایشان رفتم و در این مورد بحث کردم. خطاب به جناب یونسسی گفتم چطور سیستم اطلاعات شما اجازه می‌دهد که شخصی مانند ملک مدنی که فوق دیپلم نساجی دارد بیاید و شهردار تهران شود و تیم اطلاعاتی شما به احمدی نژاد گیر می‌دهد. به جناب یونسسی همان موقع گفتم احمدی نژاد رئیس جمهور ماست و شهرداری برای او دستگر می است، اگر می‌خواهد فکری کنید فکری برای رئیس جمهور شدن وی کنید. البته آن زمان فکر رئیس جمهور شدن احمدی نژاد مطرح نبود و صحبت و بر نامه ما این نبود ولی من اولین کسی بودم که بحث ریاست جمهوری احمدی نژاد را خطاب به جناب یونسسی مطرح کردم.

همسر شهید بهشتی:

شهید بهشتی روز هفتم تیر به من گفت که دیگر آخر عمر من است

جلوی بچه‌ها حرف بزنم. ایشان به من گفتند که من دیگر بعد از اینکه شما ۱۶ تا ۱۷ سال خانم به دوش بودید، ناراحتیم از اینکه شما می‌خواهید اثاث‌کشی کنید، من گفتم هیچ مهم نیست و فکر می‌کنم که تازه اول زندگی من است، بعد دیدم که ایشان خیلی ناراحت هستند و گفتند که من به خاطر اینکه شما دست تنها باز دوباره می‌خواهید این کارها را بکنید ناراحت هستم. گفتم هیچ مساله‌ای نیست، بعد ایشان گفتند که خانم شما از دست من راضی باش. من ناراحت شدم و گفتم که من نمی‌خواهم هیچ وقت چنین حرفی را از شما بشنوم. من ناراضی‌تی از دست شما ندارم. ایشان گفتند ۲۹ ساله است زندگی مرا با سختی و تنگدستی شما دنبال کردید و مثل یک برادر و دوست بخت‌سرم من همه‌جا در خراج و ایران، شما بودید و مرا حلال کنید. من که دیدم خیلی ایشان ناراحت هستند، گفتم آقا ما که چیزی نداریم، می‌خواهید این منزلی که ما داریم با یک منزل توی شهر معاوضه کنیم که شما ناراحت نباشید از اینکه ما منزل مردم می‌رویم، ایشان گفتند نه دیگر حوصله‌اش را ندارم، آخر عمری دیگر به این کارها نمی‌کشد، یک دفعه من گفتم چرا آقا آخر عمر است؟ گفتند دیگر آخر عمر است، شما خودتان بایستی بفهمید که دیگر آخر عمر من دارد شروع می‌شود و ایشان موضعی که از منزل

هفتم تیر ماه ۶۱ و به مناسبت اولین سالگرد شهادت آیت‌الله بهشتی و ۲۲ تن از اعضای سرشمناس حزب جمهوری در دفتر مرکزی این حزب، روزنامه جمهوری اسلامی در ویژه‌نامه خود به این مناسبت با عزت‌الشریعه مدرس مطلق، همسر شهید بهشتی مجامعه‌ای انجام داد. در ادامه گزیده‌ای از این گفت‌وگو را می‌خوانید. اول انقلاب بود که ایشان وصیتنامه‌ای نوشتند و به من دادند و گفتند چون شما فعلا سرپرست بچه‌های من هستید و من برادری ندارم، از شما می‌خواهم که شما این سرپرستی را بکنید و خودتان را از همین حالا آماده کنید که خودکفا باشید و هم زن باشید و هم مرد باشید. ما هم خودمان را مهیا کرده بودیم و از توطئه‌ها و تهمت‌ها و ناسزاگویی‌ها و تافن‌هایی که در طول هفتده به ما می‌زدند و به دروغ می‌گفتند آقای بهشتی شهید شدند، ضرور شدند... ما همیشه آماده شهادت ایشان بودیم تا آن شبی که این حادثه اتفاق افتاد. ما در شب پیش از هفتم تیر قرار بود به منزلی که گرفته بودند، باییم. ایشان یک ماه آخری وقتی از منزل می‌خواستند بیرون بروند غسل می‌کردند و وضو می‌گرفتند. روز هفتم تیر که آمدند لباس بپوشند به من گفتند که قیای نو (که خودم برده بودم داده بودم و پرایشان دوخته بودند) را بدهید بپوشم. خودشان را مرتب کردند و بعد گفتند شما بایباید توی اتاق، من نمی‌خواهم

محمد سلامتی:

آمریکا رابطه با ایران را به شرطی می‌خواهد که اسلام را از حکومت حذف کنیم

محمد سلامتی، دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی هفتم تیر ماه ۷۸ و در نشست پرسش و پاسخ در او دبیل با اشاره به تهاجم فرهنگی و رابطه با آمریکا گفت: برای حفظ ارزش‌های اسلامی در مقابل تهاجم فرهنگی بیگانگان چه شیعه و چه سنی و چه گروه‌های سیاسی باید همه در یک خط واحد در برابر این تهاجم هم‌دل و متحد شده و اجازه ندهیم مسائل کوچک اساس کار و هدف ما را تحت الشعاع قرار دهد. حفظ انسجام و وحدت در مقابل تهاجم ایدئولوژی و فرهنگی دشمن، ما را مقاوم می‌کند و همه گروه‌های سیاسی و مذهبی با روحیه گذشت و ایثار باید از مینه این اتحاد و یکپارچگی را تأمین کنند. آمریکا با دولتی که منافع او را در منطقه به رسمیت نمی‌شناسد، خواستار برقراری ارتباط نیست و دولت آمریکا زامی به این کار راضی خواهد شد که اسلامی بودن حکومت را در ایران حذف کنیم. اینکه احتمالا یکی از اعضای گروه‌های خط امام (ره) در مورد رابطه با آمریکا حرفی بگوید، این نظر شخصی وی بوده مسلما موضع گروه‌های خط امام این نیست. حضور ایران در آسیای مرکزی مثل توسعه طلبی آمریکاست و واشنگتن چنین رژیمی را نمی‌پسندد. اگر به خاطر استفاده از توان اقتصادی و تکنولوژی آمریکا با این کشور رابطه برقرار کنیم، به سرنوشت روسیه دچار خواهیم شد.

گفتاری از موسوی خوئینی‌ها:

خطر نفوذ لیبرال‌ها با چهره انقلابی در پست‌های کلیدی جمهوری اسلامی



ممکن است متوجه‌شوند که کار از کار گذشته باشد. به هر حال این خطر دور جدی تر از خطر اول است. شاید ما بعد از حادثه هفتم تیر رقیم سراخ اینکه عوامل نفوذی را از قیبل آن عواملی که حادثه هفتم تیر یا حادثه هفتم شهریور را به‌وجود آوردند، شناسایی کنیم و راه نفوذشان را ببندیم. اما دنبال اینکه چگونه شد بنی صدر توانست بیاید وارد جریان انقلاب بشود و تا حد ریاست جمهوری صعود بکند، شاید به درستی در جامعه ما تحلیل نشده است. بسیاری از چهره‌های سازش کار دیگری که همانک با مردم انقلابی بودند، اما نتوانستند بیایند و پست‌های کلیدی کشور را به‌دست بگیرند، چگونه شد که آنها آمدند و مراقب باشیم که دیگر نتوانند بیایند.

بنی صدر دیگر نمی‌تواند برگردد. در حالی که جریان لیبرال‌هایی که همفکر بنی صدر بودند یا ایدئال‌خلافاتی با بنی صدر داشتند اما در

سید محمد موسوی خوئینی‌ها ۶ تیر ماه ۶۰ و به مناسبت سالگرد فاجعه هفتم تیر، در یک گفت‌وگوی تفصیلی با روزنامه کیهان خطر نفوذ لیبرال‌ها با چهره انقلابی را تشریح می‌کند. در ادامه گزیده‌ای از این مصاحبه را می‌خوانید:

مهم‌تر از بررسی عامل نفوذی و شیوه نفوذ عامل فاجعه هفتم تیر در درون نیروهای مخلص و طرفدار انقلاب که مساله مهمی است و نباید از آن غافل بود، مساله مهم‌تری است که هنوز از مینان رفته است و باید به آن توجه بیشتری کرد و آن اینکه همیشه دشمن از طریق عوامل نفوذی که بخواهند توسط وی عملیات نظامی و از این قبیل، اگر اسم این گونه عملیات را نظامی بگذاریم انجام دهد، فاجعه نمی‌آفریند. به خصوص شاید بعد از فاجعه هفتم تیر و بعد از حادثه نخست‌وزیری در تحلیل‌هایشان به این نتیجه رسیده باشند که این نوع کارها مفید نیست. به هر حال همیشه دشمن از یک راه وارد نمی‌شود. راه‌های خطرناک‌تر این است که در میان انقلاب و مراکز تصمیم‌گیرنده انقلاب انفرادی نفوذ کنند که اینها به لحاظ فکری و به لحاظ ظاهری سیاسی انفرادی ناسازگار با انقلاب باشند، لکن با ظواهری انقلابی بسند و با ظواهری فریبنده خودشان را در مراکز تصمیم‌گیری انقلاب، مراکز اداره‌کننده کشور، محافل تصمیم‌گیرنده کشور وارد کنند و اینها به تدریج در طول زمان که دشمن در این رابطه خیلی هم عجله نمی‌کند، در طول سال‌های دراز بتوانند به‌نحوی وارد جریان انقلاب و اداره کشور بشوند که خطر نفوذ اینها برای انقلاب بیش از خطر فاجعه هفتم تیر است. ضرب‌های که آنها می‌زنند، ضرب‌های است که کسی متوجه نمی‌شود و یک موقعی مردم